

## سازمان جهانی حسابرسی سیاستمداران و تجارت

طرح و نوشته: حسن مساوات (حجت)

در ابتدا باید نگاهی به نحوه ای که گروهی از سیاستمداران بخصوص آنها که در جهان دیکتاتوری (موسوم به جهان سوم) در رأس حکومت های خود کامه و جمهوری های تمام عمر و موروثی حکم میرانند و خود را جوابگوی هیچکس نمیدانند برای چپاول خزان مملکت تحت اشغال خود میکنند بیاندازیم.

این روشها اگرچه مختلف و متعدد است اما تماماً بمنظور سوء استفاده از موقعیت و دریافت وجهی در ازاء خرید کالا و خدمات از کشورهای پیشرفته و یا فروش محصولات معدنی مثل سنگ آهن و مس و آلومینیم و اورانیوم و فلزات و کانیهاییکه برای تولید محصولات پیشرفته صنعتی مانند نیمه هادیها و ترانزیستور و صفحات مونیتور و غیره بکار میرود و در رأس آنها نفت است.

بسیاری از سردمداران این درآمدها (بخوانید دزدیها) را نه بنام خود که با اسم وابستگان نزدیک و افراد مورد اعتماد انجام میدهند و چون در این قبیل موارد افراد نمیتوانند به یکدیگر اعتماد کنند، دیکتاتور در قدرت قبلاً از کسانی که پول آنها را دریافت میکنند مدارک محکم تهیه میکنند که در صورت خیانت بر اساس آن انتقام سختی از عامل خیانتکار بگیرند. این مدارک معمولاً به نوع حکومت وابسته است. مثلاً در جمهوری اسلامی تهیه فیلمهایی در حال روابط جنسی و یا مشروب خواری و یا اهانت به بزرگان دین و از این قبیل است.

نوع دریافت وجه از خرید و یا فروش بر اساس خرید با قیمت بالاتر از واقعیت بازار و دریافت ما به التفاوت و در مورد فروش تخفیف های قابل ملاحظه و غیر متعارف و باز گرداندن این تخفیفات به باج گیر معامله است. و البته در این معاملات طیفی از بجاگیران هستند که بر مبنای موقعیتشان در هرم قدرت کم و بیش سهمی از این دزدی میبرند و در بعضی موارد این طیف حتی شامل یک انعام به آبدارچی اداره هم میشود که برای یک فتو گپی از اسناد محرمانه رقمی دریافت کند و یا خبر ملاقاتی را به نماینده فروشنده بدهد.

فساد مانند سرطان از یک ارگان اصلی شروع میکند و بتدریج به تمام سلولها سرایت مینماید.

از این فساد معمولاً دیکتاتورها راضی هستند زیرا باندهای گهگاه مافیائی تشکیل شده برای چپاول پشتیبان و نگهدارنده رژیم میشوند و منافع خود را در تقابل با منافع مردم در مبارزه برای احقاق حق خود میبینند و بنابراین در بحر آنها این قبیل افراد قداره بسته و برای مقابله با حق طلبان آزادیخواه با لباس مبدل بمیدان میآیند و برای حفظ دیکتاتور تلاش میکنند.

بعضی از دیکتاتورها بجای دریافت حق الزحمه !!!!! در شرکت های فروشنده شریک میشوند و یا فامیل خود را سهیم مینمایند که احتمالاً مبتکر این روش حسنی مبارک مصری است.

برای محدود افرادی از هم میهنان که ممکن است اطلاعات مالی زیادی نداشته باشند ناچار باید نکته ای مهم را بسادگی تشریح نمود. این افراد احتمال دارد بگویند خوب اگر فروشندگان از جیب خود مبلغی را به یک مقام میدهند چه عیبی در این کار وجود دارد؟

در جواب باید یاد آور شد که هیچ فروشنده ای از جیب خود مبلغی را بخشش نمیکند مگر آنکه دوبرابر آن مبلغ را روی قیمت کالا کشیده باشد و در واقع آن فروشنده مثلاً چینی و یا آمریکائی و یا انگلیسی، روسی، اماراتی، هنگ کنگی، سوئدی (و یا هرکشور دیگر) این پول را در راه باصلاح متداول خدا باین مقام تقدیم نمیکند مگر اینکه بابت آن جنس خود را با قیمت بالاتر و یا جنس بنجلی که خریدار ندارد را بر اثر نفوذ آن مقام به کشور خریدار فروخته باشد. در واقع پولی که یک مقام بابت (بیشتر میگویند کمیسیون) به مقامات کشور خریدار میدهد پولی است که با حق بازی از خزانه کشور خریدار دزدی شده و ملت بیاختار کشور خریدار زیان آنرا بیشتر از پولی که دیکتاتورها گرفته اند پرداخت نموده. برای چنین توطئه هایی فروشندگان خود مبلغی بیشتر از پرداخت به دزدان بعنوان مقامات خریدار از کشور خریدار و ملت آن دریافت میکنند.

این مبالغ گاهی به بیشتر از صد در صد قیمت واقعی و بین الملل کالا میرسد. برای مثال در یک شرکت تلویزیون سازی (که محل آن در جاده کرج است) کیت تلویزیون را در سال ۱۳۸۱ بمبلغ ۱۵۰ دلار میخریدند. شخصی را استخدام کردند که برای همان کیت قیمت ۵۵ دلار گرفته و به هیئت مدیره داده بود، آن شخص بلا فاصله اخراج شد زیرا این خرید از طریق پسر آقای عسکر اولادی مسلمان خریداری میشد.

این دیگر نام دزدی ندارد کلمه چپاول برای آن مناسب تر است.

از آنجا که این روش در تمام کشورهای دیکتاتوری رایج است و منحصر بایران نیست، تنها باید گفت که جمهوری اسلامی در این مسیر تا آنجا پیش رفته که برای تمام دزدان رژیم قبلی و رژیم های دیگر جهان کسب آبرو کرده و حد چپاول آقای ۵ درصد ارتش شاهنشاهی را گاه تا ۲۰۰ درصد بالا برده اند تا جائیکه کلیه تولیدات داخلی ایران را رژیم اسلامی بتخریب کشیده تا باین ترتیب خرید های خارجی افزایش پیدا کند و بیشتر آقا زاده ها مثل پسر ناصر مکارم و عسکراولادی تازه مسلمان شده و هم قطاران آنها هریک محصولاتی چند را در انحصار خود قرار داده اند.

آری هموطنان عزیز، ما ذخایر تمام شدنی طبیعی خود را میفروشیم و بجای آن چای و شکر و برنج و گندم و این قبیل مایحتاج را که قبلاً در آن خود کفا بودیم با قیمت های دو و سه برابر از خارج خریداری میکنیم و دست اندر کاران کمیسیون های کلان میگیرند و خیلی زود خواهد رسید که منابع طبیعی و خدادادی ما تمام و یا بدلیل سوء مدیریت غیر قابل استفاده خواهد شد و آنوقت باید کاسه گدائی در دست بگیریم و از مثلاً بنگلادش تقاضای کمک کنیم.

خودکفا شدن هم شعاری بود هم ردیف آب و برق و اتوبوس مجانی که خمینی جنایتکار با آن شعارها ما را فریب داد و بر اریکه شاهی تکیه زد و بانهم رضایت نداد هیچ، که خود را مالک الرقاب جان و مال و ناموس ما معرفی کرد و جوانان ما را دسته دسته کشت و این سرمایه های ملی را نابود کرد و بجای آن مردم نا آگاه را تشویق کرد که بچه درست کنند بدون آنکه برای رشد و بهداشت و آموزش آنها برنامه ای داشته باشد. ما نه تنها در تولید گندم خود کفا نشدیم که با تخریب زیر بنای صنعتی و کشاورزی و علمی کشور برای دهه های آینده هم شانس آنرا نخواهیم داشت که خوزستان را تبدیل بانبار غله ایران کنیم و خودکفائی که هیچ به جرگه صادر کنندگان آن درآئیم.

برنج دمسیاه شمال که بسیار مرغوبتر از برنج باسماتی است کیمیای نایاب شده و به پرتغال جهرم دستی نمیرسد و هیچ اصلاح بذری انجام نمیپذیرد. امروز پسته تولید آمریکا و زعفران تولید اسپانیا جای پسته و زعفران ایرانی را با قیمت های نازل گرفته است و نمیدانم آیا در کرمان زیره پیدا میشود و یا نه؟

از آنجا که ملایان هیچ درکی از مملکت داری و مردم داری و برنامه ریزی و صنعت و بقول خودشان زراعت و اقتصاد ندارند (یادمان باشد که خمینی رادل گفت اقتصاد مال خراست و بر همین مبنا و راهنمایی امامشان است که جانشین او اهریمن سید علی، احمدی نژاد را در رأس اقتصاد و کشور قرار داده است) هر روز مراجعه میکنند به حجاب بانوان ما و برای پوشاندن ناکارآمدی خود از دید پیروان عقب افتاده خود در مورد حجاب سرو صدا در میآورند.

این اهریمنان در اهانت به ولی نعمت های خود که ملت بزرگ ایران باشد فضولی وقاحت را بجائی رسانده اند که یکی از آنان که تمساحی است بنام مصباح یزدی (حیف نام زیبایی یزد که این اهریمن بخود نسبت داده) با وقاحت آخوندی میگوید: **"مردم چه کاره اند که به کسی حق بدهند؟"**

<http://www.peykeiran.com/Content.aspx?ID=29786>

ماباید فریاد بزیم ای دیو صفت احمق، مردم همه کاره اند و مالک این سرزمین. تو چه کاره ای که بروی در روی منبر و این لاطانات را بگوئی؟ این فقط نمونه ای از ناسپاسی از صاحبان کشور و از یکی از این روبه صفتان مکار و خدا فروشان منبر نشین است و نمونه فراوان دارد.

ما باید این اهریمنان خطرناک ضد انسان و تمام اصول انسانی و فروشندگان خرافات را از این لباس شیادی در آوریم و به کارگاههای راه سازی و مزارع کشاورزی بفرستیم تا بیل بدست گیرند و برای آنچه که از نعمت های این جهان میخورند یکبار هم که شده کار مثبتی بکنند: بخصوص این تمساح را.

اینان بجز درصدی بسیار ناچیز، نه آنکه به هیچ چیز باور ندارند بلکه در طمع کاری و شکمباره بودن و خست و تمام صفات بد و اهریمنی سرآمد زمان هستند و رقبای آنان تنها هم کسوتان خودشان هستند.

همین مصباح یزدی فتوا داد که تجاوز به مردان و زنان در زندان مجاز است و برای آن با کمال وقاحت ثواب هم قائل شد. باید از او پرسید آیا اگر دخترت را بزندان بردند تکلیف چیست؟

حافظ بزرگ میگوید:  
واعظان کاین جلوه در محراب و منبر میکنند  
چون بخلوت میروند آن کار دیگر میکنند  
کاین همه قلب ودغل در کار داور میکنند

خیزش ملی و ایرانی ما با پیشتازی جوانان خردمند، سرفراز و شجاع مان برای اینست که تا دیکتاتوری و فساد و تفکرزدائی هست ما در لجنزار فقر و بدبختی و مهمتر از آنها خرافات و بیخردی فرو خواهیم رفت و برای ملت ایران چنین ننگی که زیر یوغ بیخردانی چون علی خامنه ای و تمساح یزدی برود نمیتواند قابل قبول باشد.

زنجیر اتحاد ما ملیت است و همه ما باید بر اساس این واقعیت که ایران متعلق به ایرانی است و هرکس در هرکجای این سرزمین مقدس زندگی میکند صرفنظر از جنسیت و قومیت و زبان و سنن دارای حقوق مساوی شهروندی ایران و شریک در دردها و امتیازات این کشور است و باید بر مبنای عشق و علاقه مشترک به کشور و به یکدیگر و احترام بهم بصورت یک پارچه برای بدست آوردن تساوی حقوق و دموکراسی و عدالت اجتماعی و پاکسازی کشور از ایدئولوژی های رنگارنگ و حق افراد در انتخاب دین و روش زندگی خصوصی دست بدست هم دهیم: اهریمنان را بدور بریزیم و همه با هم و همسنگ در راه سازندگی کشور حرکت درآئیم.

در جامعه آزاد هرکس بخواهد میتواند مسلمان باشد و یا هر دین دیگری داشته باشد اما دین امری شخصی و در آن محدوده محترم است ولی اجبار و الزام دین و حکومت بر مبنای دین مردود است و غیر قابل قبول.

در آرزوی آن روز .... در آرزوی آن نوروز .... در آرزوی بهشتی که در آن آزاری نباشد و کسی را با کسی کاری نباشد. در آرزوی روزی که خداوند جان و خرد از درون جمجمه هدایت ما را بعهده بگیرد.

در آرزوی عدالت و دموکراسی. یادمان باشد که دموکراسی و عدالت را بکسی نمیدهند: ملتی زنده باید که با تلاش و مبارزه با اهریمن آنها را بگیرد و این وظیفه بگردن همه ماست.

\* \* \* \* \*

امروز این امکان وجود دارد که جلوی مونیتور کامپیوتر بنشینیم و به شهری از شهرهای دنیا برویم و در آن شهر گردش کنیم بدون آنکه از روی صندلی خود بلند شده باشیم. این یعنی معجزه علم، معجزه حقیقت، معجزه کسانیکه عمرشان را بجای گذراندن در بیخبری و انتظار آمدن موجودات موهوم به شناخت و واقعیتهای جهان وبا استفاده از آن واقعیت ها به ابداع و اختراع و کشف ناشناخته ها و ایجاد امکانات گذرانیده اند و خرد را بجای خرافات معیار کاروندگی باورهای خود قرار داده اند.

با ظهور ایده جهانی شدن (Globalisation) که ریشه اقتصادی و تکنیکی داشت و گسترش تکنولوژی و از بین رفتن مرزهای خبری و دسترسی به میکرو تکنولوژی و نانو تکنولوژی و پیشرفت انفجارگونه امکانات ارتباطی در جهان دیگر زندگی در هیچ نقطه ای از جهان دور از دید دیگر جهانیان امکان نیست.

ارتباطات جهانی و تبادل اخبار تجارت را جهانی کرده و به همراه آن امکان ایجاد رفاه برای تمام جهانیان فراهم شده است. این مطلب تا بدانجا پیش رفته که اگر در گوشه ای از جهان معمرفذافی نامی برای ساکت کردن مردمی که نمیخواهند زیرسلطه او بمانند را با هوایما بمباران میکند فوراً تمام مردم جهان از این جنایت باخبر میشوند و آن مردمی که چنین مورد تجاوز قرار گرفته اند با این دلگرمی که اینکار مورد خشم و نفرت آزادگان است و دیریا زود این دیوانه خونخوار زنجیری و اداربه کناره گیری و اسیر مجازات میشود به مبارزه خود تا پیروزی ادامه خواهند داد.

در ایران نیز خونخواران دیگری در قدرت غیرقانونی خود را نماینده خداوند و امامی با مأموریت الهی مخصوص برای کشتار میدانند. این امام موهوم ساخته و پرداخته ذهن خودشان است و تاریخ نشان میدهد که از پدری عقیم و مادری که هرگز باردار نشده بدنیا آمده است!!! باور کنید یا نه یکصد میلیون در جهان فکر میکنند که روزی برای نجات عالم از ظلم و ستم ایشان از چاه بیرون خواهد آمد و برای عدالت آنقدر خون خواهد ریخت که تا زانوی اسبش خون بالا بیاید.

این عده ورهبرانشان که خود تشنه خون هستند، مدعی هستند که امام موهومشان در چاهی بمدت چهارده قرن زندگی کرده و هنوز زنده است و روزی بمیان ما خواهد آمد تا بگفته آنان جهان را از سیاهی و تباهی برهاند. آنان شب و روز دعا میکنند که این واقعه ظهور هر چه زودتر اتفاق بیفتد و مرتب به دعا مشغولند. البته رهبرانشان که از ماجرای ساخته شدن این دکان اطلاع

دارند میدانند که چنین اتفاقی نخواهد افتاد و ته دلشان نمیخواهد که چنین افسانه ای تحقق یابد. ولی برای اجرای نقشه های شیطانی خویش در نگهداری توده ها در گمراهی خرافات و باور به موهومات خود در مجامع باین دعا کردن و امید واهی دامن میزنند.

این گروه با این دکان خود و اجبار ملتی به پیروی از اوامر خود، مانند زالو به مکیدن خون و ثروت های ملت پرداخته اند و همه جهانیان هم از جزئیات بیشتر از این قلم مطلع هستند اما بخاطر اینکه این فریبکاران در دایره جهانی از نادانان سیاست و مدیریت هستند جهانیان ضمن محکوم کردن زبانی آنان از اقدام عملی برای جلوگیری از این جنایات خودداری میکنند.

اینجاست که بیک قانون و یک قدرت مستقل و بیطرف جهانی نیاز پیدا میشود که شبه بی اختیار و محدودی از آن وجود دارد که تحت تسلط کشور های قدرتمند است و دخالت کردن و نکردن آنها در اصلاح امور بستگی به منافع کشور های قدرتمند دارد.

در مجامع عقب افتاده دیگر (غیر دینی) نیز دکانهایی برای فریب و عقب نگهداشتن مردمان و برقراری بساط دیکتاتوری برقرار شده و هریک با روشی مردم رابه زنجیر کشیده اند و آنها را چپاول میکنند.

یک دادگاه بین المللی در لاهه و یکی در هیگ وجود دارد که مطرح شدن شکایت علیه جنایتکاران در آن توسط قربانیان مستقیم تجاوزات حکومت ها امکان ندارد و اگر مثلاً شخصی توسط حکومت خامنه ای شکنجه شده باشد نمیتواند به آن دادگاه برود و از رئیس آن حکومت شکایت کند. این چنین دادگاهی باید در دسترس تمام مردم در سراسر جهان باشد و اشخاصی که مورد ستم قرار گرفته اند و یا نمایندگان آنها بتوانند براحتی بآن مراجعه کرده و دادخواهی کنند.

از سوی دیگر یک سازمان حسابرسی جهانی باید وجود داشته باشد که خرید های دولتی کشورها را کنترل و پرداخت های شرکت های فروشنده را به افرادی که در کشور خریدار مصدر امور هستند بررسی کرده و بانکها موظف باشند پرداخت های آن شرکت را به این سازمان حسابرسی جهانی گزارش دهند.

این سازمان خرید ها و کمک های کشورها را به افراد و سازمانها مورد تحلیل قرار دهد و قیمت های فروش کالا های مشابه را در شرایط یکسان مقایسه و موارد استثنائی را مورد تحقیق قرار دهد به ویژه در مواردی که قیمت کالا بسیار بالا تر از بهای متداول در آن شرکت است.

شرح ملاقاتها و قراردادهای خرید های دولتی و مراحل انجام شده برای انجام آن خرید در معاملات بزرگ باید در حوزه اختیارات این سازمان حسابرسی جهانی باشد. در مورد حسابرسی هر قراردادی گزارشی تهیه و در روزنامه های کشور خریدار درج میگردد.

روزنامه های رسمی کشورهای خریدار موظف به درج بدون سانسور گزارش های این سازمان هستند و هیچ استثنائی در این مورد قابل قبول نیست.

سیستم چپاولی که در بالا ذکر شد تنها مربوط بایران نبوده و نیست، هر چند جمهوری اسلامی در این مسیر تا حدی از فساد جلو رفته که همراه با مفاسد دیگرش نمیتوان در تاریخ تالی آن را پیدا کرد.

این سیستم در دوره های استعماری زائیده و بمرور زمان تقویت و تکمیل گردیده و در تمام کشورهای عقب افتاده گرفتن کمیسیون و در تمام کشورهای باصلاح پیشرفته دادن کمیسیون جاری و ساری است و هر دو طرف این فساد راه های قانونی نشان دادن و انجام آن را بخوبی یاد گرفته و سیستم بانکی جهان هم آنرا در خود حل کرده و با ایجاد بانکهای خاص در بنادر آزاد و یا خاور دور و شیخ نشین هائیکه در آنها همه چیز در اختیار شیوخ است و هزاران ممر دیگر این کارها انجام میگردد.

اینک که به برکت پیشرفت خردمندی و دانش و تکنولوژی و معجزه علمی مردم جهان بیدار شده اند و این موج دموکراسی خواهی خواب را بر سید علی ها و قذافی ها و حسنی مبارک ها و امیران قطر و هوگوچاوز و دیگران و درکشور های چپاولگر شرق و غرب از یک طرف آشفته کرده و از طرف دیگر در نتیجه این خیزش ها منافع جهانیان ایجاب میکند که از این روشهای مفسده انگیز جلوگیری شده و با کمک همان تکنولوژی پیشرفته در حال پیشرفت بیشتر برای جلوگیری از آن اقدام گردد.

پیشنهاد میشود که سازمانی تحت عنوان "سازمان حسابرسی جهانی سیاستمداران و تجارت" یا نامی مشابه بآن در نقطه بیطرف از جهان، مثلاً در هندوستان تأسیس و بر مبنای یک اساسنامه مورد تأیید جهانی و اختیارات بررسی معاملات و بودجه ای که کشور های صادرکننده و واردکننده تأمین خواهند کرد بکار اصلاح تجارت بین المللی بپردازد.

این سازمان مانند سازمان تجارت جهانی که حافظ منافع کشورهای غربی و توسعه تجارت است نخواهد بود. این سازمان بیشتر به سازمان انرژی اتمی (با تغییراتی در ساختار اداری و کارهای آن) خواهد بود.

بدیهی است که گروهی از کارشناسان بیطرف و آزاده باید روی اساسنامه آن کار کنند و سازماندهی و گردش کار را در آن معین نمایند.

سازمان ملل متحد باید پشتیبانی از این سازمان را از طریق مجمع عمومی بعهده گیرد و در آن چیزی شبیه حق وتو وجود نداشته باشد و هیئت اجرایی آن (بشرحی که در اساسنامه تصویب خواهد شد) دارای اختیارات لازم برای رسیدگی و دادن رأی باشد.

این سازمان باید دارای اختیارات تام در دسترسی باطلاعات تمام بانکهای جهان و رسیدگی به دارائی های سران کشورهای و رسیدگی به معاملات بین الملل و مقایسه قیمت های داده شده به کشورهای مختلف برای کالای مشابه و بررسی قیمت تمام شده کالای فروخته شده و بررسی روند اجرای یک معامله از ابتدا تا انتها و مسیر پول های مبادله شده از منبع تا مقصد خواهد بود و بر طبق مقررات آن بخصوص شرکت های فروشنده هزینه های بازاریابی و تبلیغات مستقیم و غیر مستقیم خود را باین سازمان گزارش خواهد کرد.

حساب زمامداران کشورهای خریدار کالا و افرادی که در خرید و فروش کالا بهر عنوانی مشارکت داشته اند میتواند در صورت تقاضا از سوی تمام بانکها در اختیار این سازمان قرارگیرد.

بازرسان این سازمان میتوانند برای بازرسی به کشورهای مبدأ و مقصد مراجعه و بازرسی های لازم را انجام دهند.

این سازمان با پشتیبانی سازمان ملل متحد میتواند افراد خاطی را مورد جریمه نقدی، بازگرداندن کمیسیون های دریافتی غیر متعارف به خزانه کشور خریدار و این قبیل جرائم و یا تحریم شرکتهای فروشنده نماید.

در مورد تمام قراردادهایی که مجموع مبلغ معامله برای تمام محموله های مختلف آن (حتی اگر با چند قرارداد انجام شده باشد) از مبلغی که در اساسنامه سازمان معین خواهد شد بیشتر باشد، فروشنده موظف است که کپی قرار دادها و نام افراد مورد مراجعه در تنظیم و تبادل فرار داد نقشی حتی کوچک بازی کرده اند را پس از امضای قرار داد باین سازمان ارسال دارد.

کمی مشکل و شاید به نظر بعضی ایده آلیستی بنظر آید اما **خواب و عقب ماندگی آسانتر از بیداری و پیشرفت است** هر چند: **تا بکارهای سخت پرداخته نشود اسارت های اهریمنی را پایانی نخواهد بود.**

حسن مساوات (حجت)

[hojjat@northlondonacademy.com](mailto:hojjat@northlondonacademy.com)

۱۷ اسفند ماه ۱۳۸۹

یک هفته قبل از جشن بزرگ چهارشنبه سوری سنت بزرگ ما ایرانیان